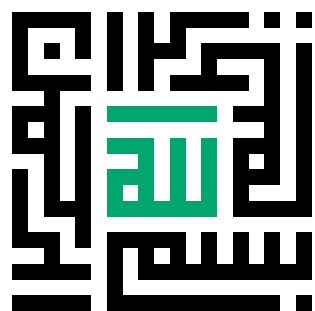


گزارش بررسی‌پیش‌نویس
نسخه‌های ترمیم یافته سند تحول
بنیادین آموزش و پرورش





شناسنامه اثر

عنوان:

گزارش بررسی پیش نویس نسخه نهایی ترمیم یافته سند تحول بنیادین آموزش و پرورش

تهیه و تنظیم:

معاونت سیاست ورزی مرکز بسیج دانشجویی دانشگاه فرهنگیان

تعداد صفحه: ۳۰ صفحه

زمان انتشار: تیرماه ۱۴۰۴



مرکز بسیج
دانشجویی
دانشگاه
فرهنگیان

معاونت
سیاست ورزی



فهرست مطالب

پیشگفتار.....	۴
بخش اول رویکردها و روح حاکم سند.....	۵
نسبیت با ایدئولوژی انقلاب اسلامی.....	۵
عدم تطابق با سیاست‌های حاکمیتی.....	۵
کم توجهی به زمانه و اقتضائات حاکم.....	۶
مسئله تعلیم و تربیت کودک:.....	۶
مسئله تأمین و تربیت سرمایه انسانی:.....	۶
ساحت‌های شش گانه سند تحول بنیادین.....	۷
تقلیل گرایی درباره تحول.....	۸
بخش دوم: گلوگاه‌های تحول.....	۹
الف) تأکید مستقیم و غیرمستقیم بر حاکمیت زدایی از امر تربیت.....	۹
ب) نگاه هم‌تراز به مدارس دولتی و غیردولتی به جای نگاه حمایتی به مدارس دولتی.....	۱۳
ج) خلأ نگاه حمایتی به دانشگاه فرهنگیان و مسئله تربیت معلم.....	۱۵
د) به چشم خوردن رد پای ادبیات اسناد توسعه پایدار و سند آموزش ۲۰۳۰ یونسکو و رویکرد جهانی سازی.....	۱۸
بخش سوم: ایرادات ساختاری و محتوایی.....	۱۹
هدف کلان شماره ۱: به سازی و به روزآوری راهبری و مدیریت در نظام تربیت رسمی عمومی.....	۲۰
هدف کلان شماره ۲: به سازی در «نظام برنامه ریزی آموزشی و درسی».....	۲۱
هدف کلان شماره ۳: به سازی و ارتقای مدیریت منابع انسانی و تربیت معلم.....	۲۴
هدف کلان شماره ۴: تأمین منابع مالی کافی و پایدار، تخصیص هدفمند و عادلانه و مصرف بهینه و بهره ورنه.....	۲۴
هدف کلان شماره ۵: به سازی و به روزآوری فضاهای کالبدی، تجهیزاتی و فناوری‌های نوین مدارس و سایر فضاهای یادگیری.....	۲۵
هدف کلان شماره ۷: کسب مؤعیت نخست و ممتاز نظام تربیت رسمی.....	۲۶
هدف کلان شماره ۸: نقش آفرینی و ارتقا کیفیت همه جانبه مدارس به عنوان یکی از کانون‌های پیشرفت محلی و جلوه‌ای از حیات طیبه.....	۲۷
هدف عملیاتی شماره ۹: تأمین، بسط عدالت و نصیب برابر آموزشی.....	۲۹
هدف کلان شماره ۱۰: نقش آفرینی فزون‌تر، همسو و همه جانبه با ارکان و عوامل سهیم و مؤثر در پیشبرد اهداف نظام.....	۲۹



➤ پیشگفتار

سند تحول بنیادین آموزش و پرورش در تاریخ ۱۳۹۰/۰۷/۰۵ در شورای عالی انقلاب فرهنگی به تصویب نهایی رسید. رسمیت قانونی این سند و تأکیدات مکرر مقام معظم رهبری (مدظله تعالی) موجب شد تا سیاست‌های راهبردی نظام آموزش و پرورش از این مجرا و بر محور اهداف و افق ترسیم شده در آن اتخاذ گردد. جایگاه ویژه سند تحول بنیادین آموزش و پرورش در تصمیم‌گیری‌های کلان وزارت آموزش و پرورش، مستلزم اعمال دقت نظر جدی و بازاندیشی در برخی مفاد آن است تا ضمن رفع نواقص بتواند پاسخگوی نیاز امروز انقلاب اسلامی و گام دوم آن باشد. سند تحول پس از گذشت بیش از ۱۳ سال از تدوین نسخه اولیه و غفلت از وعده بروزرسانی‌ها و ترمیم‌های ۵ ساله همچنان با ایراداتی جدی من جمله عدم جهت‌گیری‌های صریح و نقطه‌زن در نقاط گلوگاهی و قابلیت تفسیرهای متعدد مواجه است و کماکان افق پیش روی نظام تعلیم و تربیت را محصور در یک حرکت مطلوب و پیش‌رونده اجتماعی و نه پاسخ جدی جبهه انقلاب در تنازع با ره‌آوردهای دنیای مدرن و استعمار در این حوزه می‌پندارد، به عبارتی سند باید بتواند در افق ۱۴۱۴ به علاوه ارائه تصویری واضح از شریان‌های حیاتی آموزش و پرورش خط و مشی نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی را بنا نهد. ناگفته نماند هرگونه حرکت و تلاش برای ترمیم سند فعلی، شایسته احترام و قدردانی است و تلاش و وفاق اجتماعی صورت گرفته در راستای تدوین سند تحول بنیادین آموزش و پرورش قابل تقدیر و ضرورت حمایت در جهت اجرایی‌سازی آن الزامی می‌باشد. با این وجود باید به دو نکته توجه داشت؛ اول آنکه نسخه ترمیم‌یافته خلأها و چالش‌های سند پیشین را مبتنی بر ایده انقلاب اسلامی و اندیشه امامین آن پوشش دهد و دو آنکه چالش جدیدی به نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی نیافزاید. در این راستا جمعی از دانش‌جو معلمان بسیجی دانشگاه فرهنگیان در صدد برآمدند جهت غنی‌سازی و رفع چالش‌های احتمالی نسخه ترمیم یافته تحلیلی اجمالی تدوین کرده و بابتی برای گفتگو و هم‌اندیشی پیرامون مسائل حساس و حیاتی نظام تعلیم و تربیت کشور ایجاد نمایند. امید است با پای کار آمدن دغدغه‌مندان و دردمندان این عرصه، نقش اساسی آموزش و پرورش در نبرد جبهه حق و باطل که امروز در ملموس‌ترین حالت خویش قرار دارد، احیا شده و پایه‌های نظام تعلیم و تربیت تراز انقلاب اسلامی بنا نهاده شود.



بخش اول رویکردها و روح حاکم سند

در محور اول این بخش سعی داریم تا پیش از ورود به متن نسخه ترمیم یافته از نظر رویکردی به ارزیابی روح حاکم بر نسخه موجود بپردازیم.

ک نسبت با ایدئولوژی انقلاب اسلامی

پیش از نگارش نسخه‌ای برای شفاف‌تر شدن مسیر تحول باید به این سؤال پاسخ داد که اساساً چرا به تحول نیاز داریم، واضح است که تمثالی تحول در نظام آموزشی بیش از هر چیزی وابسته به اندیشه انقلاب اسلامی است. در واقع این انقلاب اسلامی است که با پیدایش خود افق جدیدی را به روی ما گشود تا ما با قدم زدن در حال و هوای انقلاب به خواسته‌های خود در مسیر خودسازی، جامعه‌سازی و تمدن‌سازی جهت دهیم. طبعاً اگر از تحول صحبت به میان آمد اما برآیند کلی و خروجی در نسبت‌سنجی با آرمان‌ها و اهداف انقلاب دچار نقص بود باید دوباره به سؤال اصلاً چرا تحول بازگردیم. به نظر می‌رسد که روح حاکم بر نسخه ترمیم یافته سند تحول بنیادین آموزش و پرورش از این حیث دارای ضعف جدی است و تناقض برخی از توصیه‌های سند در نسبت با سیاست‌های نظام، مؤید این موضوع است.

ک عدم تطابق با سیاست‌های حاکمیتی

اگر این مورد محدود در یک یا دو مورد بود شاید ذکر آن در بخش نقد رویکردی درست نبود اما موارد عدیده‌ای از عدم تطابق حرف کلی سند با منظومه فکری رهبری، سیاست‌های ایشان در ایجاد تحول در آموزش و پرورش و حتی قوانین بالادستی به چشم می‌خورد. حساسیت این موضوع زمانی بیشتر احساس می‌شود که سند در قبال موضوعات و مسائل گلوگاهی چنین نگاهی را دنبال می‌کند. به عنوان مثال سیاست نظام در قبال دانشگاه فرهنگیان، توسعه کمی و کیفی این دانشگاه مأموریت محور و همچنین حرکت به سمتی است که دانشگاه فرهنگیان اصلی‌ترین و تنها مرجع و مدخل ورود به معلمی، تربیت معلم ۴ ساله دوره کارشناسی باشد اما در کل سند نه تنها اشاره خاصی به تقویت و توسعه دانشگاه فرهنگیان از جهات مختلف کیفی و زیرساختی نشده است، بلکه در زمینه تنوع بخشی به مسیرهای جذب و تربیت معلم اشارات جدی دیده می‌شود که خود در تضاد مستقیم با رویکرد انحصار جذب نیروی مورد نیاز آموزش و پرورش از طریق دانشگاه‌های وابسته به آن بیان شده در بند ب ماده ۸۸ برنامه هفتم پیشرفت و در گذر زمان تضعیف‌کننده آن است.



یا مثال دیگر اینکه سیاست نظام در قبال مدارس دولتی تقویت و گسترش و در قبال مدارس غیردولتی مدیریت آنها است اما در سند دقیقاً بالعکس نگاه شده؛ با نگاه خوشبینانه پرداختن به موضوع مدارس دولتی و غیردولتی برابر است و با نگاه بدبینانه کفه ترازو به سمت توجه بیشتر بر مدارس غیردولتی سنگینی می‌کند یا در چند بخش از سند به موضوعاتی از قبیل تشویق و پاداش در قبال بهره‌وری مدارس اشاره می‌شود که این نگاه در امتداد نگاه کالایی و سود محور به مدرسه است و یا در جای دیگر به انتخاب آگاهانه خانواده اشاره می‌شود که این نیز رنگ و بوی حاکمیت‌زدایی از طریق پته‌ای‌سازی را دارد که هر دوی این موارد در تقابل قطعی با سیاست‌های اصلی نظام هستند.

❖ کم توجهی به زمانه و اقتضائات حاکم

در طول بیش از یک دهه‌ای که از تصویب سند فعلی می‌گذرد جامعه کشور از جمله معلمان، دانش‌آموزان و دست‌اندرکاران تربیت کشور اتفاقات مهم و اثرگذاری را از سر گذرانده است. انتظار این بود که نسخه ترمیم‌یافته سند تحول تحول بنیادین با نگاهی جامع‌نگر به این مسائل و چالش‌ها، بتواند به خوبی از آنها استفاده کند و در تصمیمات آینده‌ساز تربیتی استفاده کند با این حال به نظر می‌رسد بسیاری از این تجربیات از دید نگارندگان نسخه ترمیمی مغفول مانده است در ادامه به ذکر چند نمونه از این تجربیات به عنوان مثال کفایت می‌شود.

مسئله تعلیم و تربیت کودک:

کمتر از یک دهه بعد از تصویب سند فعلی مسئله‌ای نسبتاً جدید تحت عنوان تعلیم و تربیت کودک در فضای تربیتی کشور پررنگ شد که تا قبل از آن خیلی به آن توجه نشده بود. در پی همین اتفاق، سازمانی تحت عنوان «سازمان تعلیم و تربیت کودک» شکل گرفت که حوزه مأموریتی آن مربوط به آموزش‌های پیش از دبستان (از تولد تا ۷ سالگی) می‌شد. بهتر بود سند ترمیمی با نگاه جدی به این حوزه و در نظر گرفتن پشتوانه‌های حمایتی به این نهاد در انجام مأموریت‌های خود کمک کند اما این در حالی است که سند ترمیمی حتی در موضوعات اولیه‌ای نظیر روشن کردن سن شروع آموزش، سن لازم التعلیمی و... نتوانسته چالش‌ها را به خوبی برطرف کند.

مسئله تأمین و تربیت سرمایه انسانی:

می‌توان گفت مسئله سرمایه انسانی و کمبود معلم اصلی‌ترین مسئله‌ای است که نظام تربیت کشور در حال حاضر و احتمالاً در چند سال آینده با آن دست و پنجه نرم می‌کند، اما در نگاشت نسخه ترمیم‌یافته حتی به مقوله تربیت معلم که از اصلی‌ترین نقاط تأمین منابع انسانی مورد نیاز آموزش و پرورش است آنطور که باید و شاید نپرداخته و آن را در یک هدف عملیاتی خلاصه کرده است.



سند ترمیم یافته می‌بایست با نگاهی بلند مدت نقشه راهی برای عبور از این مسئله و جلوگیری از بروز دوباره آن ترسیم می‌کرد اما رفتار و نگاه سند در قبال این موضوع به گونه‌ای است که گویا اساساً چنین مسئله‌ای وجود ندارد حتی در چند جایی که اشاره‌هایی محدود درباره این موضوع صورت گرفته متن نتوانسته قضیه را به خوبی تبیین کند و علاوه بر آن مسیرهای پیشنهادی سند با سیاست‌ها مشخص نظام تطابق ندارد.

ضعف در استفاده از ظرفیت بالقوه گفتمان ساز سند نویسی اسناد بالادستی خصوصاً اسنادی که برای ایجاد جریان‌های تحولی در اجتماع نگارش می‌شوند باید توجه همیشگی چه پیش از نگارش و چه پس از نگارش به گفتمان‌سازی و ایجاد تحرک عمومی داشته باشند. البته که این نسخه فعلی با انتشار در این زمان نور امید برای استفاده از ظرفیت جریان ساز نگارش اسناد بالادستی را در دل‌ها زنده کرد اما باز هم دارای نقص‌های جدی است. همچنان بخش عمده‌ای از بدنه دغدغه‌مند و نخبگانی جامعه در فرآیند نگارش نقشی نداشته و ندارند. این سند اگر حاصل گفتگوهای نخبگانی نباشد و از دل میزهای نقد و بررسی بیرون نیاید باز به سرنوشت سند فعلی دچار خواهد شد. قاطع می‌توان گفت شوراهای عالی به جز نگارش سند وظیفه ایجاد بستر برای گفتگوها و نقد و بررسی‌ها را نیز دارند.

➤ ساحت‌های شش‌گانه سند تحول بنیادین

تأکید صرف نسخه ترمیم یافته بر مقوله تربیت منفک از عرصه تعلیم و آموزش و حذف این واژه از تمام متن، مؤید غفلت از لزوم تحول در حوزه‌های تعلیماتی نظام آموزش و پرورش است. چالش عظیم آموزش سکولار در برنامه درسی ایران حتماً مستلزم تحول است. یکی از ضعف‌های جدی پیش‌نویس سند تحول بنیادین، ادبیات خنثی و بی‌جهتی است که نسبت به میدان تقابل حق و باطل دارد در حالی که تعلیم و تربیت در نگاه اسلامی نمی‌تواند صرفاً به ساحت‌های فردی بپردازد و از مفاهیم کلیدی چون امر به معروف، نهی از منکر، استکبارستیزی و مقاومت در برابر جور و ظلم غفلت کند و بر اساس منطق اسلام ناب محمدی (ص) و گفتمان انقلاب اسلامی، دین تنها محدود به امور فردی یا مناسکی نیست. بلکه باید در همه عرصه‌های زندگی از جمله علم، اقتصاد، سیاست و تربیت جاری باشد و در غیر این صورت خروجی این سند پرورش دانش‌آموزانی پیرو اسلام متحجر یا سکولار خواهد بود که از درک مسئولیت اجتماعی، تاریخی و تمدنی خود ناتوان‌اند. در عین حال این تغییر که «تربیت اعتقادی» به عنوان زیربنای دیگر ساحت‌ها معرفی شده، اقدامی قابل تقدیر است و نشانه‌ای از بازگشت به نگاه بنیادین در تربیت اسلامی می‌باشد. اما اگر قرار باشد این نگاه در میدان محقق شود، باید تربیت سیاسی و تمدنی هم‌سنگ و هم‌جهت تربیت اعتقادی مورد توجه قرار گیرد پس باید صراحتاً قید شود که «تربیت سیاسی» نیز زیربنای دیگر ساحت‌های تربیتی است؛ در غیر این صورت سند تحول بنیادین آموزش و پرورش به جای حرکت به سوی تمدن‌سازی،



در موضع سکون قرار خواهد گرفت.

مسئله علم نافع در حالی در این نسخه مطرح می‌گردد که اساساً پرداخت جدی به تحول در این حوزه صورت پذیرفته و نهایتاً ختم به تعاریف سطحی موجود در ساحت علمی و فناوری می‌شود، حتی بنظر می‌رسد که مقصود از علم نافع صرف جنبه کارکردی علوم در زیست فردی و اجتماعی دانش‌آموز باشد و نه آن جلوه از اشاره به جدال علم در دو جبهه اسلام و مدرنیته که یکی دین را در تمام علوم و عناصر متجلی می‌داند و دیگری توهم تفکیک دیانت از تمام مناسبات اجتماعی (عرصه های علمی و فناوری، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی) را دارد و چه بسا همین نوع دوم از ترجمه علم، امروز در نظام آموزشی ما معنی تدریس و ترویج می‌شود.

تقلیل ساحت تربیت اقتصادی و حرفه‌ای به صرف آموزش امر اقتصاد، معاش و امثالهم؛ در حالیکه جای برخی اشارات به حوزه‌های اقتصاد سیاسی آموزش و پرورش (نحوه توزیع عادلانه ثروت و منابع در جامعه و تأثیر عوامل متعدد سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی بر مکانیزم‌های درون مدرسه) خالیست.

➤ **تقلیل‌گرایی درباره تحول**

در رویکردی دیگر از سند، با تأکید برخوانش مدرسه‌ای از تحول مواجه می‌شویم. پرواضح است که سند نباید به سمتی پیش برود که سیاست‌های کلان تحول در آموزش و پرورش را به اقدامات خرد مدرسه‌ای تقلیل بدهد. اساساً آنچه که از تحول بنیادین انتظار می‌رود تغییر در لایه‌های زیرین و حرکت نظام تعلیم و تربیت به نفع انتظارات غایی جبهه انقلاب اسلامی در نزاع دائمی مفاهیم غرب و استعمار در آموزش و پرورش است. اگر تحول بدل به خرده اقداماتی خنثی بشود، کارکردی در این جبهه درگیری نخواهد داشت و در حد همان سطوح رشد فردی باقی خواهد ماند و نهایتاً منتج به تربیت دانش‌آموزانی نیک‌سرشت، اخلاقمدار و قانون‌مند خواهد شد که ادراکی از زمینه‌سازی برای ساخت انسان مقاومت، برپایی جامعه عدل مهدوی و نفی اندیشه سکولاریسم در جهان توسعه و مقابله با انسان عصر روشنگری ندارند.



بخش دوم: گلوگاه‌های تحول

وضعیت کنونی تعلیم و تربیت کشور با وجود بسیاری از مسائل ریز و درشت، دارای چند مسئله و گلوگاه اساسی است که نسبت به سایر موارد اولویت دارند موضوعاتی مانند «مسئله تربیت معلم»، «وضعیت مدارس دولتی عادی» و... را می‌توان از این قبیل مسائل برشمرد. علی‌رغم اینکه انتظار می‌رود نسخه ترمیم‌یافته خلأها و چالش‌های موجود نسخه پیشین را با تأکیدات «کافی» و «مناسب» پوشش دهد، اما به نظر می‌رسد این نسخه به قدر کافی و مطلوب به این مسائل توجه نداشته است مصادیق این خلأها را می‌توان در سند مشاهده کرد که در ادامه به چند مورد از آنها اشاره خواهد شد.

الف) تأکید مستقیم و غیرمستقیم بر حاکمیت زدایی از امر تربیت

هیچ یک از کارشناسان واقع بین و آرمان‌گرای حوزه تعلیم و تربیت اصرار بر عدم تمرکززدایی از ساختار آموزش و پرورش نداشته و معتقد به اصل مردمی سازی آن هستند؛ اما این مورد درجایی در موضع تهدید قرار خواهد گرفت که مرز آن با حاکمیت زدایی دیده نشود. در تمامی کشورهای توسعه یافته جهان آموزش و پرورش به عنوان یک امر حاکمیتی شناخته می‌شود و دول حاکم مسئولیت حمایت و سرمایه‌گذاری در آن را به صورت همه جانبه بر عهده دارند اما این به معنای فهم حاکمیت در دولت (قوه مجریه) نیست، لازم به ذکر است به جهت تسهیل در اداره این نهاد گسترده و راهبردی بستری در طول اراده حاکمیت برای نقش آفرینی مردم با نظارت مستقیم تعریف خواهد شد اما اگر سازوکار مردمی سازی و تمرکززدایی مشخص نباشد، تعبیر آن به خصوصی سازی و حاکمیت زدایی خواهد رسید که نقطه افول سیاست‌ها و راهبردهای مشترک می‌باشد.

این فکر در گذشته در بعضی از مسئولین کشور وجود داشته که ما بیاییم آموزش و پرورش را از دولت جدا کنیم بدهیم دست بخش‌های خصوصی و این خرج سنگین و این بودجه سنگین را از دوش آموزش و پرورش برداریم! دستشان درد نکند؛ برای نابود کردن کشور این فکر خوبی است. شأن تعلیم و تربیت شأن دولتی است؛ هیچ نظامی نمی‌تواند این شأن را از خودش دور کند از نظام قابل تفکیک نیست، تربیت و تعلیم کشور به عهده نظام حاکم بر این کشور است، در همه دنیا [هم] همین جور است. یک مواردی یک استثناهایی دارد، مثل همین مدارس به اصطلاح «غیر انتفاعی» که حالا در کشور وجود دارد؛ اینها موارد استثنائی است. کار تعلیم و تربیت و اداره تعلیم و تربیت کار دولتی است. قانون اساسی ما هم که این را به صراحت بیان کرده. بنابراین، مسئله برون‌سپاری



معنی‌ای ندارد؛ این شأن دستگاه حاکم قابل واگذاری نیست. (۱۴۰۲/۰۲/۱۲)

نکته اول این است که آموزش و پرورش یک نهاد حکومتی است. وظیفه دولت اسلامی است که جوان و نوجوان را تا یک مقطعی لااقل حالا مثلاً تا آخر مقطع دبیرستان با علم، با فن، با حرفه، با معارف، با ایمان بالا بیاورد؛ این، وظیفه است. اینکه در گوشه و کنار، حتی در خود آموزش و پرورش - آن طور که من از قبل در ذهنم هست - زمزمه‌هایی به وجود می‌آید که بخش‌هایی از آموزش و پرورش را بسپریم به این و آن، یعنی یک ملوک‌الطوایفی درست کنیم در آموزش و پرورش، این اصلاً معنی ندارد. حاصل، تربیت فکری و فرهنگی نسل نو، مربوط به دولت است، وظیفه دولت است و حق دولت است. دولت‌ها هستند که بایستی این کار را انجام بدهند؛ بنشینند بر اساس موازین، بر اساس ارزش‌ها، بر اساس اصول، آموزش و پرورش را بسازند و جوان‌های کشور را هدایت کنند. اینکه ما فلان سلیقه را، فلان انگیزه را حاکم کنیم [صحیح نیست]. سال‌های پیش، مکرر بعضی از افراد مسئول سطح بالا پیش من می‌آمدند، اصرار [می‌کردند]؛ دلیلشان هم این است که چون بودجه‌ی آموزش و پرورش زیاد است، روی دوش دولت سنگینی می‌کند. آموزش و پرورش افتخار دولت است؛ دولت هر چه بتواند خرج آموزش و پرورش بکند، باید افتخار کند. چون هزینه آموزش و پرورش زیاد است، ما بیاییم آموزش و پرورش را از دست دولت خارج کنیم؟ به من اصرار می‌کردند که من مؤافقت کنم، بنده قاطع رد کردم. اگر در مراکز تصمیم‌گیری در درون آموزش و پرورش کسانی هستند که یک چنین عقیده‌ای دارند، حتماً بایستی عقیده‌شان را عوض کنند. آموزش و پرورش مال دولت است، متعلق به دولت است، زیر کلید دولت است. هم دولت موظف است و باید پاسخگو هم باشد، و هم افتخار دولت این است که بتواند یک آموزش و پرورش خوب را در کشور به وجود بیاورد و رشد بدهد. این نکته اول. (۱۴۰۴/۰۲/۲۷)

قانون اساسی:

اصل ۳۰: دولت موظف است وسایل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد و وسایل تحصیلات عالی را تا سرحد خودکفائی کشور به طور رایگان گسترش دهد.

اصل ۳: آموزش و پرورش و تربیت بدنی رایگان برای همه در تمام سطوح و تسهیل و تعمیم آموزش عالی



مصادیق	اعلام نظر	شرح نظر	پیشنهاد
- راهبرد ۲۷ توسعه و تقویت نقش حاکمیتی و تنظیم‌گری ستاد و تفویض تصدی‌ها به جامعه و افزایش مشارکت رسانه‌ها و سازمان‌ها در نظام تربیت رسمی و عمومی (هدف کلان ۱۰)	اصلاح	عبارت (تفویض تصدی‌ها به جامعه و افزایش مشارکت) قابلیت تفسیرهای متعدد و خوانش‌های متنوع را دارا می‌باشد.	نیازمند مشخص شدن حدود، نوع اختیارافزایی و حوزه افزایش مشارکت می‌باشد.
- راهبرد ۵ پیشبرد نظام برنامه‌ریزی درسی مبتنی بر ساحت‌های شش‌گانه تربیتی و متکی بر مشارکت همه‌جانبه ارکان و عوامل سهیم و مؤثر در تمام سطوح تربیت با کاهش تدریجی تمرکز و تأکید بر حفظ شأن حاکمیتی برنامه درسی منطبق با استانداردهای مصوب (هدف کلان ۲)	اصلاح	عبارت (کاهش تدریجی تمرکز و مشارکت همه‌جانبه) توانایی رساندن به حد عدم تمرکز به صورت مفرط و جلب مشارکت بی‌قید و شرط در همه سطوح را دارا می‌باشد و به همین دلیل قابلیت تفسیر این راهبرد را افزایش می‌دهد.	حذف عبارت کاهش تدریجی تمرکز و مشخص کردن حدود مشارکت*
- راهکار عملیاتی ۱-۴ واگذاری مسئولیت کلان تربیتی ارکان مدرسه به مدیران مدارس با تفویض اختیار لازم به آنان در چارچوب مقررات - راهکار عملیاتی ۲-۴ افزایش کارآمدی و میزان مشارکت شوراهای درون مدرسه (شورای مدرسه، شورای معلمان، انجمن اولیا و مربیان، هیئت امناء و شورای دانش‌آموزی) در فرآیند تربیتی مدرسه با تفویض برخی از اختیارات قانونی به آنان - راهکار عملیاتی ۳-۲۲ افزایش استقلال و اختیارات مدرسه با تفویض اختیار و مسئولیت به آن و تعیین دامنه آن‌ها براساس نتایج ارزیابی مستمر کیفیت عملکرد مدرسه	اصلاح	- افزایش استقلال بی‌قید و شرط مدارس احتمال حرکت به سوی حاکمیت‌زدایی از امر تربیت را تقویت می‌کند. - افزایش استقلال مدارس باید در تناسب توانایی ارزیابی آنان باشد و عدم رشد سطوح نظارتی در کنار افزایش میزان استقلال امر ارزیابی را مشکل خواهد کرد.	مشخص شدن حدود افزایش استقلال و نظارت در طول آن



-راهکار عملیاتی ۶-۲۲ طراحی و اجرای نظام تشویق و پاداش مالي بر اساس میزان بهره‌وری منابع در عملکرد مدرسه	حذف	-نگاه صرفاً اقتصادی و مالی به نهاد مدرسه آسیب‌زایی مغرط را دارا خواهد بود. -عدم مشخص بودن نوع منابع در موضوع بهره‌وری آنان باعث تشدید جهت‌گیری به منابع مالي خواهد بود. -رقابتي‌سازی دریافت پاداش مدارس بر اساس عملکرد در حوزه بهره‌وری در نظام آموزشی باعث افزایش میزان اختلاف طبقاتی و تضعیف مدارس دولتی عادی به صورت عمومی خواهد شد.	
-راهکار عملیاتی ۱-۲۴ تعمیم دوره پیش‌دبستانی به‌ویژه در مناطق کم‌برخوردار و دوزبانه با مشارکت مردم، حمایت بخش دولتي و مشارکت بخش غیردولتي، با رویکرد تربیت تمام‌ساحتي و توسعه دوره پیش‌دبستانی نوآموزان با نیازهاي ویژه با تأکید بر مداخله به‌هنگام توان‌بخشي و تربیتی	اصلاح	-باتوجه به قید مشارکت مردم در راهکار، قید مشارکت بخش غیردولتي غیرالزامی بوده و جهت‌گیری سند را به توسعه خصوصی‌سازی آموزش که در مغایرت با امر حاکمیتی بودن آموزش از منظر رهبری می‌باشد، سوق می‌دهد. -واژه (حمایت) در خصوص بخش دولتي با توجه به اهمیت توسعه آموزش پیش‌دبستانی در افزایش عدالت آموزشی ادبیات درستی نمی‌باشد و نیاز به تغییر رویکرد حمایتی به مسئولیت محوری می‌باشد.	-حذف (مشارکت بخش غیردولتي) -جایگزینی واژه (مسئولیت) بخش دولتي با (حمایت) بخش دولتي



-راهکار عملیاتی ۲-۲۶ طراحی سازوکارهای لازم در ارتقای حق خانواده در انتخاب آگاهانه مدرسه، نظارت بر کارکرد آن	حذف	-اعطا حق انتخاب آگاهانه مدرسه با توجه به اختلاف سطح و کیفیت مدارس در سراسر کشور؛ سوق دهی والدین به مدارس برتر و در نتیجه آن تضعیف و روند انحلال مدارس مسضعف در اثر کمبود دانش آموز را خواهد داشت. -با توجه گرایش دانش آموزان به تعداد محدودی از مدارس برتر؛ روند گزینش آنها طبعاً بر اساس ملاک‌های مالی و روابط سیاسی می‌گردد.
--	-----	---

ک (ب) نگاه هم‌تراز به مدارس دولتی و غیردولتی به جای نگاه حمایتی به مدارس دولتی

سیاست مشخص در قبال مدارس دولتی کیفیت بخشی و در قبال مدارس غیردولتی مدیریت و سازماندهی) و نه گسترش آنها.

در حالی که در نسخه ترمیم یافته سند نگاهی در تقابل با این رویکرد به چشم می‌خورد و حتی می‌توان گفت کفه ترازو در سمت مدارس غیردولتی با تسهیل در تأسیس آنها و موارد دیگر سنگین تر است.

«یکی مسئله مدارس دولتی است. تقویت مدارس دولتی مهم است، نباید در کشور جوری باشد که وقتی گفته می‌شود «مدرسه دولتی»، اولین چیزی که در مقابل انسان نقش می‌بندد ضعف مدرسه باشد؛ این نباید باشد. معلمین خوب، مربیان خوب، مربیان تربیتی خوب، معلمین متعهد و فضاهای آموزشی قابل قبول، در مدارس دولتی باید وجود داشته باشد؛ این مطلب اول. وقتی ما به مدرسه دولتی کم اعتنائی بکنیم، معنایش این است که اگر کسی بنیه مالی اش آن قدر نبود که بتواند در آن مدرسه‌ای که شهریه می‌گیرد ثبت نام بکند، ناچار است که تن به ضعف بدهد؛ معنایش این است که کسی که بنیه مالی ندارد بنیه علمی هم نداشته باشد. این بی‌عدالتی محض است؛ این بی‌عدالتی به هیچ وجه قابل قبول نیست. پس یکی اینکه مدرسه دولتی بایستی از آموزش خوب، از معلم خوب و از فضای آموزشی خوب بهره‌مند بشود. (۱۴۰۲/۰۲/۱۲)

اینکه ما مدارس دولتی را مدام تبدیل کنیم به غیرانتفاعی معلوم نیست خیلی این یک کار پخته درستی باشد؛ حالا اسمش مدارس غیرانتفاعی است اما بعضی از اینها مدارس



انتفاعی است، نه غیرانتفاعی؛ با آن شهریه‌های کذایی که شنیده‌ام از بعضی‌ها می‌گیرند. سطح مدارس دولتی را بالا ببریم تا رغبت خانواده‌ها به این مدارس بیشتر بشود. (۱۳۹۵/۰۲/۱۳)

قانون اساسی

اصل ۳: دولت مؤظف است وسایل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد و وسایل تحصیلات عالی را تا سرحد خودکفائی کشور به طور رایگان گسترش دهد.

اصل ۳: آموزش و پرورش و تربیت بدنی رایگان برای همه در تمام سطوح و تسهیل و تعمیم آموزش عالی. رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه در تمام زمینه‌های مادی و معنوی.

پیشنهاد	شرح نظر	اعلام نظر	مصادیق
	با توجه به قید شدن ترکیب «نهادهای و ظرفیت‌های مردمی»، به کار بردن عبارت «بخش غیردولتی» دامن زدن به جریان خصوصی‌سازی آموزش و افزایش مانع در تحقق عدالت آموزشی ارزش تلقی می‌شود.	اصلاح	-ارزش ۱۹ «نقش تربیتی اماکن مذهبی، نهادهای مردمی»، با استفاده از ظرفیت‌های مردمی، جلب مشارکت جامعه مدنی و بخش دولتی و غیردولتی در نظام تربیت رسمی و عمومی؛
افزایش میزان نظارت بر کیفیت مدارس غیر دولتی با اصلاح و بازنگری در قوانین موجود با قابلیت مقطعی به صورت مدت دار و با قابلیت تمدید در صورت احراز صلاحیت، تنظیم ضریب فراوانی بر اساس مقاطع تحصیلی با تاکید بر شیب منفی در دوره ابتدایی و شیب مثبت در مقطع هنرستان‌ها و همچنین مناطق دارای کمبود سرانه فضا و امکانات آموزشی	رویکرد توسعه مدارس غیردولتی از اساس باعث افزایش میزان اختلاف طبقاتی در عرصه آموزش و کاهش عدالت آموزشی خواهد شد. در شرایطی که سیاست نظام مبتنی بر کیفیت بخشی به مدارس دولتی می‌باشد؛ تسهیل در تاسیس مدارس غیر دولتی و افزایش تعداد آن و حمایت از فعالیت‌هایشان منجر به تضعیف مدارس دولتی عادی و گرایش والدین به حضور در دانش آموز در مدرسه غیردولتی خواهد شد.	حذف	-راهکار عملیاتی ۶-۲۷ تقویت و گسترش مدارس غیردولتی با اصلاح و بازنگری قوانین و مقررات موجود، تسهیل در تأسیس و حمایت از فعالیت‌های تربیتی آنان، با حفظ کارکردهای سیاست‌گذاری و نظارتی نظام تربیت رسمی و عمومی



ک ج) خلأ نگاه حمایتی به دانشگاه فرهنگیان و مسئله تربیت معلم

با قاطعیت می‌توان گفت مسئله تأمین و تربیت نیروی انسانی اصلی‌ترین مسئله گریبان‌گیر تعلیم و تربیت در چند سال آینده است. به همین دلیل نحوه مواجهه با این مسئله بسیار حائز اهمیت است. سیاست مشخص در این امر، افزایش جذب از طریق دانشگاه فرهنگیان از طریق توسعه کمی و کیفی و بهبود زیرساخت‌های این دانشگاه است. در پیش‌نویس نسخه ترمیم‌یافته سند برخلاف رویکرد مذکور تمرکز بر راه‌های دیگر جذب نیرو است و نقش دانشگاه فرهنگیان تا حد مدیریت و نظارت تقلیل داده شده است.

با توجه به اینکه در بیانیه ارزش‌ها به صراحت اشاره شده است که سند تحول بنیادین آموزش و پرورش برگرفته از رهنمودهای حکیمانه مقام معظم رهبری است؛ گریز به سخنان ایشان برای مغایرت‌سنجی خالی از لطف نیست:

«ما امروز با کمبود معلم کارآمد و متعهد روبه‌رو هستیم معلّمین زیادی در سرتاسر کشور از جانشان دارند مایه می‌گذارند؛ در این شکی نیست؛ ما می‌دانیم اطلاع داریم؛ اما در عین حال این کمبود را هم می‌دانیم. ما دچار کمبود هستیم این کمبود هم به خاطر آن است که در گذشته پیش‌بینی نشده بینید، اینکه گفتم «کارهای بلندمدت»، یکی‌اش همین است؛ در گذشته پیش‌بینی نشده حتی آن وقتی که بنا بود دانشگاه فرهنگیان تأسیس بشود بعضی می‌گفتند این دانشگاه به درد نمی‌خورد کاری از آن بر نمی‌آید؛ خب الحمد الله پیشرفت دانشگاه خوب بوده اگرچه ظرفیتش کم است ظرفیت دانشگاه فرهنگیان دو برابر هم [شود] شاید کم باشد؛ احتیاج دارد به اینکه ظرفیتش افزایش پیدا کند زیرساخت‌هایش افزایش پیدا کند، واقعاً کمک بشود. راه حلش این است. باید سرمایه‌گذاری کنیم اگر نیاز به معلّم کارآمد و متعهد و مسئّل، مورد قبول است - که قطعی است و چاره‌ای جز قبول این نیست؛ یعنی واقعاً همه باید نیاز به معلم را بپذیرند- این سرمایه‌گذاری لازم دارد، تلاش لازم دارد دستگاه‌های مراکز تربیت معلم از جمله مهمترین دانشگاه فرهنگیان، باید تقویت بشوند که بتوانند کار را پیش ببرند؛ هم زیرساخت‌هایشان تقویت بشود هم ظرفیت‌هایشان افزایش پیدا کند.» است. «یکی از چیزهایی که در آموزش و پرورش خیلی مهم می‌باشد، دانشگاه فرهنگیان است؛ همین که این جوان‌های عزیزمان [یعنی] دانش‌جو معلّم‌ها آنجا هستند. این بسیار مهم است. هرچه می‌توان باید برای این مجموعه سرمایه‌گذاری در توسعه کمی و کیفی کرد؛ با همان معیارهای متعالی که برای معلم لازم است. عرض کردم، این سوگندنامه‌ای که خواندید خوب بود به شرطی که عمل کنید به این سوگند نامه؛ واقعاً متعهد باشیم به آنچه به آن سوگند می‌خوریم دوره‌های آموزش کوتاه مدت هم می‌گذارند که البته اینها خیلی کارساز نیست.» (۱۳۹۵/۰۲/۱۳)



مسئله دوم، مسئله جذب معلّم است؛ از کجا معلّم پیدا کنیم؟ چه جوری معلّم تربیت کنیم؟ به نظر من این دو دانشگاهی که شما دارید، بسیار چیزهای خوبی است. من سال ۹۷ در دانشگاه فرهنگیان همین‌ها را گفتم. دانشگاه فرهنگیان و دانشگاه شهید رجائی یکی از آن بهترین مراکزی است که در کشور برای مسائل فرهنگ و مانند اینها به وجود آمده. باید این جور باشد که حتّی یک معلّم از غیر این مسیر وارد آموزش پرورش نشود. ما دانشگاه فرهنگیان و دانشگاه شهید رجائی را جوری ظرفیت‌سازی کنیم و جوری سازماندهی کنیم که همه معلّمین به قدر کفایت بیایند، از اینجا عبور کنند و وارد آموزش و پرورش [بشوند]. حتّی دوره‌های کوتاه مدّتی که حالا برنامه‌ریزی شده و دوره‌هایی که وجود دارد، مثلاً یک ساله و مانند اینها هم در سایه و در ضمن و با مسئولیت این دانشگاه فرهنگیان و دانشگاه شهید رجائی باشند؛ این کار بسیار لازمی است. خب، پس یک نکته این شد که مسیر عبور معلّم و ورودش به آموزش پرورش صرفاً از اینجا باشد. حالا من اینجا به عزیزان مجلس هم سفارش کنم این طور نباشد که یک جوری تصویب کنند که مثلاً یک جمعی، یک وقت بی حساب به شکل برف‌انباری، همین جوری وارد آموزش پرورش بشوند؛ این جوری مصلحت نیست. هر کاری انجام می‌گیرد، ورودی معلّمین [باید] از طریق این دو دانشگاه باشد. (بیانات رهبری ۱۳۹۹/۰۶/۱۱)



مصادیق	اعلام نظر	شرح نظر	پیشنهاد
- راهکار عملیاتی ۴-۱۲ مشارکت دانشگاه‌های برتر و حوزه‌های علمیه با مدیریت دانشگاه‌های فرهنگیان و تربیت دبیر فنی شهید رجایی در تنوع بخشی به مسیر ورود به معلمي، تربیت تخصصی، حرفه‌ای و دینی و حفظ کرامت دانشجومعلم	حذف	- تنوع بخشی به مسیرهای ورود به معلمي در مغایرت مستقیم با فرمایشات مقام معظم رهبری در رابطه با روش جذب نیروی مورد نیاز آموزش و پرورش، ماده ۸۸ برنامه هفتم توسعه می باشد. - همچنین این راهکار باعث تضعیف دانشگاه فرهنگیان به دلیل کم هزینه بودن و نگاه صرفاً تأمینی به فرآیند جذب و نگهداشت معلم خواهد شد. - تقلیل مأموریت دانشگاه فرهنگیان از جذب، تربیت و تولید نیروی انسانی مورد نیاز آموزش و پرورش به مدیریت مسیرها.	- پیشنهاد می شود به جهت افزایش میزان جذب و تربیت بهتر معلم و ساخت گسترده تر هویت آنان؛ توسعه کمی و کیفی دانشگاه فرهنگیان با اولویت رسیدگی به چهار محور بودجه، الگوهای جذب و پذیرش دانشجومعلم، نظام نامه جامع تربیتی دانشگاه و برنامه درسی رسمی و غیر رسمی تربیت معلم، حائز اهمیت می باشند.
- راهکار عملیاتی ۷-۱۲ شناسایی، ترغیب و جذب استعداد های برتر و برخوردار از صلاحیت های علمی، دینی، اخلاقی، انقلابی و شخصیتی در انتخاب رشته های تربیت معلم در دوره تحصیلات تکمیلی	اصلاح	به علت نبود زیرساخت های لازم در دانشگاه فرهنگیان برای پوشش مناسب تحصیلات تکمیلی، اجراسازی این فرآیند تنها با ظرفیت حداقلی ممکن می باشد. - فرآیند ساخت هویت معلمي یک مسیر یکپارچه بوده و تنها از طریق دوره مهارت آموزی در تحصیلات تکمیلی ممکن نمی باشد و این راهکار مغایرت با بند ۱-۳ و ۲-۳ سیاست های کلی ایجاد تحول در نظام آموزش و پرورش کشور در راستای به سازی فرآیند تربیت می باشد، دارد.	- پیشنهاد می شود عبارت «تحصیلات تکمیلی» از راهکار حذف شده و تأکید بر دوره کارشناسی ۴ ساله باشد.



ک (د) به چشم خوردن ردپای ادبیات اسناد توسعه پایدار و سند آموزش ۲۰۳۰ یونسکو و رویکرد جهانی سازی

ساختارها و مفاهیم، مبتنی بر ایدئولوژی خاصی می باشند و نمی توان بدون توجه به جهت گیری ارزشی عبارات، از آنها استفاده نمود و طراحی خود را بر پایه آن بنا نهاد. اگرچه نظام استکبار جهانی و استعمار فرانسه در گذشته غالباً از طریق نظامی و زور، محدوده زیرسلطه خودش را گسترش می داد ولی امروزه با شیوه های متنوعی همچون رسانه به الگوسازی، برندسازی، فرهنگسازی و... می پردازد و به سمت و سوی مدیریت افکار جهانی و زمینه سازی برای استعمار فکری ملت ها حرکت می نماید. نمود این موضوع در موارد ملموس و دم دستی همچون تقسیم بندی کشورها به جهان اول تا سوم دیده می شود و تا مواردی پنهان و زیرکانه همچون برگزاری رویدادهای بین المللی و ارائه شاخص های جهانی برای سنجش کشورها ادامه می یابد تا با ایجاد احساس نیاز، آنها را ملزم به حرکت به سوی بازطراحی نظامات اجتماعی خود کند به گونه ای که در آن شاخص ها و رویدادها جایگاه مناسبی پیدا کند. در همین راستا علی رغم انتقادات کارشناسان، عموم مردم و همچنین ماهیت استعماری اسناد توسعه پایدار، مدنظر قراردادن شاخص های جهانی، خود نشان از عدم توجه به این مسئله است.

مصادیق	اعلام نظر	شرح نظر	پیشنهاد
-هدف کلان ۷ ارتقای جایگاه ملی و بین المللی نظام تربیت رسمی و عمومی	اصلاح	-حضور ایران و تمامی ساختارهایش در جوامع بین المللی تنها با تأکید و صیانت از اصول و افق های انقلاب اسلامی معنی می شود و در این راهکار و توضیح تکمیل کننده آن در پاورقی صفحه خالی بودن این مهم حس می شود.	-تغییر رویکرد جهانی اندیشی به جهانی سازی افق های تعلیم و تربیت انقلاب اسلامی.
-راهبرد ۲۰ توجه همه جانبه به آموزش و پرورش به عنوان یک امر حاکمیتی و به مثابه یک امر ملی، سازمانی فراگیر و اثرگذار اجتماعی و فرهنگی و مهم انگاری نقش آن در سرنوشت آینده کشور و ارزیابی های بین المللی (هدف کلان ۷)	اصلاح	-بنابر تأکیدات مقام معظم رهبری مبنی بر بومی سازی آموزش و پرورش، لازم به ذکر است پرداخت به شاخص های ارزیابی بین المللی که در تناسب بوم طراحی نشده و عدم تطابق آنان با اهداف تربیتی انقلاب اسلامی، باعث جلوگیری از این فرآیند خواهد شد.	-واژه «بین المللی» از راهبرد حذف گشته و عبارت متناسب با اهداف تربیتی انقلاب اسلامی با جایگزین گردد.



- راهبرد ۲۱ نگاه دقیق به روندهای موفق جهانی، راهبردها و سیاست‌های بین‌المللی و تغییرات متأثر از آن‌ها در عرصه تربیت رسمی و عمومی و حضور فعال در محافل علمی و پژوهشی داخل و خارج از کشور (هدف کلان ۷)	حذف	- در سیاست‌گذاری‌های کلان و نگاشت اسناد بالادستی، در نظر گرفتن اقتضائات دینی و ملی ضروری می‌باشد. لازم به ذکر است بسیاری از تجربیات و برنامه‌های موفق بین‌المللی با این اقتضائات همخوانی نداشته و قابل پیاده‌سازی نمی‌باشند.	- پیشنهاد می‌شود علاوه بر بررسی دقیق و جامه از راهبردها و سیاست‌های بین‌المللی به طراحی و بازتولید مدل‌های مطلوب داخلی با در نظرگیری آرمان‌های انقلاب اسلامی و منظومه فکری مقام معظم رهبری در آموزش و پرورش بود.
---	-----	--	--

بخش سوم: ایرادات ساختاری و محتوایی

غرض از انتقادات محتوایی و ساختاری نقدهایی است که بخش‌های مختلف سند را از منظرهای گوناگون و با مؤلفه‌های متفاوتی بررسی می‌کند.

در این بخش تعدادی از این انتقادات با ذکر ایراد وارده و مؤلفه‌های ارزیابی مربوطه ارائه شده است و بعضاً پیشنهاد اصلاحی نیز مطرح شده است. سازگاری، رعایت ارتباط عمودی و وجود انسجام منطقی بین راهکارها، اهداف عملیاتی، اهداف کلان و راهبردها، انطباق با مبانی ارزشی، تفسیرپذیری و ابهام، عدم تناسب با مسائل فعلی جامعه و بی توجهی به وضع موجود از مهمترین مؤلفه‌هایی هستند که در ادامه نمونه‌هایی برای آنها قید شده است. برخی نقدها نیز ذیل بخش اشکالات جدی به تفصیل شرح داده شده و در این بخش اشاره‌ای صورت پذیرفته است.



هدف کلان شماره ۱: به سازی و به روز آوری راهبری و مدیریت در نظام تربیت رسمی عمومی

ردیف	محل اشکال	نقد و بررسی	مؤلفه های ارزیابی
۱	راهکار ۱-۴ واگذاری مسئولیت کلان تربیتی ارکان مدرسه به مدیران مدارس با تفویض اختیار لازم به آنان در چارچوب مقررات	اصلاح راهکار به: «واگذاری مسئولیت کلان تربیتی ارکان مدرسه به مدیران خلاق، نوآور و کارآفرین مدارس با تفویض اختیار لازم به آنان در چارچوب مقررات» ضمن اینکه «واگذاری مسئولیت کلان تربیتی مفهومی بسیار تفسیرپذیر و مبهم بوده و دامنه مشخصی ندارد و می بایست حد و مرز این مسئولیت و حیطه انتظار آن مشخص گردد.	تفسیرپذیری و ابهام
۲	راهکار ۲-۳ بازنگری و اصلاح سازمان و ساختار مدرسه	بازنگری و اصلاح سازمان و ساختار مدرسه دارای ابهام بوده و گزاره روشنی نیست.	تفسیرپذیری
۳	راهکار ۱-۴ بازنگری قوانین و مقررات موجود در راستای تقویت نقش شوراهای آموزش و پرورش استان و منطقه متناسب با مقتضیات تربیتی	مقتضیات تربیتی باید دقیقاً مشخص گردد زیرا از مناظر متفاوت و فلسفه های گوناگون قابل تفسیر است. در وهله دوم نقش مهم خانواده در این جمع این شوراها و تصمیم گیری ها مغفول مانده است؛ پیشنهاد می شود قید انجمن اولیا و مربیان در کنار سایر شوراها دیده شود.	تفسیرپذیری
۴	راهکار ۱-۵ بازنگری در برنامه درسی ملی بر اساس ساحت های تربیتی و هدف غائی تربیت	مشخص نبودن نسبت میان سند برنامه درسی ملی و حوزه های یادگیری با ساحت های شش گانه تربیتی ضمناً هدف غائی تربیت از منظر کدام مکتب باید مشخص گردد تا جلوگیری کننده از تغییر رویه های تربیتی اسلام انقلابی گردد.	- ابهام در اصل منطق بازنگری در برنامه درسی ملی - تفسیرپذیری



هدف کلان شماره ۲: به سازی در «نظام برنامه ریزی آموزشی و درسی»

عدم انطباق با مبانی ارزشی	تاکید بر پیامدهای محصول محوری برنامه درسی، برپایه ضریب بخشی به علم کاربردی مطرح شده است. بدین معنا که تنها علومی که به عینیت برسند، مورد تأکید است. رگه هایی از اصالت حس و تجربه به جای ارزش گذاری بر انواع علوم مبتنی بر ایدئولوژی در این گزاره دیده می شود.	۵ راهبرد ۷ توسعه برنامه درسی پیامد محور (تحقق شایستگی ها در سطح محصول و سطح برونداد نظام و پیامد آن در سطح جامعه) (هدف کلان ۲)
	تفکیک موارد الف تا د ادله و توجیهی ندارد. پیشنهاد می شود عبارت «غنا بخشی به ظرفیت برنامه درسی با تأکید بر منشور توسعه فرهنگ قرآنی و نظام معیار اسلامی در تمام دوره های تحصیلی و متناسب با قابلیت ها و ظرفیت های نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی با تمرکز بر عبادت الله و اجتناب از طاغوت» جایگزین شود.	۶ راهکار ۳-۵ غنا بخشی به ظرفیت برنامه درسی با رویکرد تقویت، توسعه، ترویج و تحکیم: الف) انس با قرآن بر اساس منشور توسعه فرهنگ قرآنی ب) فرهنگ اقامه نماز و برپایی نماز جماعت در مدرسه ج) فضائل اخلاقی د) پذیرش قلبی، اقناع فکری، حفظ، تعمیق و درونی سازی فرهنگ حیا، عفاف، حجاب و پوشش مطابق با شئونات اسلامی در تمام دوره های تحصیلی و متناسب با قابلیت ها و ظرفیت های نظام تربیت رسمی و عمومی



-عدم وجود استراتژی معین در پرداخت به موضوعات -قید جزئیات برخلاف چارچوبه‌های نگارش اسناد راهبردی	اشاره به جزئیات (توحید، معاد، روحیه جهادی و...) سبب شده موارد ذکر شده ناقص به نظر برسد و از موارد مشابه دیگری غفلت می‌شود. گزاره‌های زیاد و متنوع دیگری (فرهنگ مقاومت، استقلال، استکبارستیزی و...) قابلیت افزوده شدن به این دو راهکار را دارند. -اساساً اگر سند راهبردی باشد، ورود به جزئیات و مصادیق مختلف، به معنای عدم رعایت چارچوب سندنویسی و اقتضائات آن است.	راهکار ۴-۵ گسترش ظرفیت برنامه‌های درسی، منابع آموزشی، شبکه ملی اطلاعات و ارتباطات، کانال‌ها و گروه‌های آموزشی و تربیتی در شبکه‌های اجتماعی بومی، کتابخانه‌ها، آزمایشگاه‌ها و کارگاه‌ها، اردوها، اوقات فراغت دانش‌آموزان و فعالیت‌های درون و برون مدرسه به ویژه در مساجد و کانون‌های مذهبی برای تقویت معرفت و باور به معارف الهی، اعتقاد به توحید، معاد، ولایت و انتظار با رویکرد قرآنی، روایی و عقلانی در دانش‌آموزان راهکار ۵-۵ ترویج و نهادینه‌سازی فرهنگ ولایت‌مداری، ایثار و شهادت، تولی و تبری، امر به معروف و نهی از منکر، روحیه جهادی، انتظار «زمینه‌سازی استقرار دولت عدل مهدوی (عجل الله تعالی و فرجه الشریف) با تأکید بر بهره‌گیری از ظرفیت حوزه‌های علمیه	۷
-عدم وجود استراتژی معین در پرداخت به موضوعات	تطبیق برنامه درسی با ساحت‌های شش‌گانه، در حوزه علمی و فناورانه صرفاً در ارائه آموزش زبان خارجی خلاصه شده است. نیاز است بسترسازی برای تقویت زبان‌های غیر انگلیسی در برنامه درسی در این راهکار دیده شود. اشاره صرف به این مصداق موجب غفلت از سایر مصادیق این ساحت شده است.	راهکار ۶-۵ ارائه آموزش زبان خارجی در چارچوب بخش انتخابی (نیمه تجویزی) برنامه درسی، با رعایت اصل تثبیت و تقویت هویت ایرانی- اسلامی	۸
-عدم توجه به هویت تاریخی و لزوم تقویت نگرش و دغدغه‌های فراملی در دانش‌آموزان	تربیت دانش‌آموزان در ساحت اجتماعی- سیاسی، نباید محدود به سطح ملی باشد؛ مواجهه مسئولانه با رخداد‌های فراملی و تلاش در راستای تقویت روحیه استکبارستیزی و ایجاد گفتمان مقاومت، از وجوه مهم ساحت اجتماعی- سیاسی است که در این بند مغفول مانده است. لازم به ذکر است توجه به اندیشه امامین انقلاب و ایده ولایت مطلقه فقیه نیز نیاز به اهتمام دارد.	راهکار ۸-۵ ایجاد سازوکار تقویت حس وفاداری و وطن‌دوستی، انسجام اجتماعی، وحدت و خودباوری ملی و احیای هویت افتخارآمیز ایرانی - اسلامی در دانش‌آموزان و معلمان با تأکید بر حفظ ارزش‌های تاریخی، میراث تمدنی ایرانی - اسلامی و توجه به حل مسائل ملی	۹



۱۰	جميع راهکارهای هدف عملیاتی ۵	برایند این راهکارها، برنامه درسی برای تربیت انسان تراز انقلاب اسلامی به دست نخواهد داد.	-عدم سازگاری
۱۱	راهکار ۱-۷ طراحی، تدوین و اجرای برنامه‌های درسی منعطف، متناسب با ویژگی‌های شخصیتی، جسمی، ذهنی، استعدادهاي گوناگون دانش‌آموزان و شرایط محیطی	تناسب برنامه درسی با ویژگی‌های شخصیتی دانش‌آموزان با در نظر گرفتن وضع موجود (خصوصاً شرایط سیاسی و اجتماعی)، راهکاری غیر واقعی می‌باشد.	-عدم تناسب با وضعیت کلی جامعه
۱۲	راهکار ۲-۸ ایجاد زمینه «درک و مواجهه دانش‌آموزان با موقعیت خود و دیگران» و «بروز بینش، باور، گرایش، توانایی و قابلیت خود در موقعیت‌های جدید»، متناسب با ویژگی‌های اجتماعی، بومی و محلی، قومی، دینی، مذهبی، فرهنگی، خانوادگی و جنسیتی	در نظر نگرفتن وجه هویت اجتماعی انسان در این راهکار مشهود است؛ من جمله آن: ایجاد زمینه درک و مواجهه دانش‌آموزان با رخدادهاي بین‌المللی و فراملی و تقویت هویت جهانی دانش‌آموزان در پرتو اسلام حذف عبارت «به ویژه» و دینی و مذهبی.	
۱۳	راهکار ۳-۸ ارائه دستاوردهای علمی، فنی و فرهنگی تمدن ایرانی-اسلامی در برنامه‌های درسی	دستاوردهای تمدن اسلامی-ایرانی منحصر به جنبه‌های علمی و فنی نیست، علاوه بر بعد علمی و فنی، باید به سایر دستاوردهای تمدن اسلامی که وجه تمایز آن با تمدن غرب است بپردازیم، من جمله آن، قرار گرفتن شرح روایت از زیست انسان‌های تربیت یافته در افق انقلاب اسلامی است.	
۱۴	جميع راهکارهای هدف عملیاتی ۸	برایند این راهکارها، برنامه درسی هویت ساز متناسب با هویت اجتماعی-سیاسی نخواهد شد.	-عدم سازگاری و عدم رعایت ارتباط عمودی میان راهکارها و هدف عملیاتی
۱۵	راهکار ۱-۹ بسط تعامل نظام تربیت رسمی و عمومی با جامعه و سایر دستگاه‌ها و نهادها در استفاده از ظرفیت آنان در طراحی و اجرای برنامه درسی با رویکرد تلفیقی و مسئله محور	طرح گزاره «بسط تعامل نظام تربیت رسمی و عمومی با جامعه و سایر دستگاه‌ها و نهادها» به عنوان راهکار، وجه‌ای ندارد و جنس راهکاری از آن استنباط نمی‌شود.	-عدم سازگاری



هدف کلان شماره ۳: به سازی و ارتقای مدیریت منابع انسانی و تربیت معلم

۱۶	راهکار ۴-۱۲ مشارکت دانشگاه های برتر و حوزه های علمیه با مدیریت دانشگاه های فرهنگیان و تربیت دبیر فنی شهید رجایی در تنوع بخشی به مسیر ورود به معلمی، تربیت تخصصی، حرفه ای و دینی و حفظ کرامت دانشجومعلمان	عبارت تنوع بخشی به مسیرهای ورود به معلمی عبارتی مبهم است! غرض از تنوع بخشی به الگوهای جذب، توسعه کمی و کیفی دانشگاه فرهنگیان است؟ با افزایش راه های جذب معلم از طرق مختلف که دانشگاه فرهنگیان و تربیت دبیر اعم از آنها است؟ اگر مقصود مورد اول باشد، عبارت اصلاحی زیر پیشنهاد می شود: «تنوع بخشی به الگوهای جذب دانشگاه فرهنگیان و توسعه کمی و کیفی آن جهت ارتقا کیفیت نظام تربیت معلم کشور» و اگر مقصود مورد دوم باشد، باید به عدم موضع گیری صریح سند نسبت به دانشگاه فرهنگیان اشاره کرد.
۱۷	راهکار ۷-۱۲ شناسایی، ترغیب و جذب استعداد های برتر و برخوردار از صلاحیت های علمی، دینی، اخلاقی، انقلابی و شخصیتی در انتخاب رشته های تربیت معلم در دوره تحصیلات تکمیلی	اختصاص بخشی از جذب دانشگاه فرهنگیان به ورودی های مقطع ارشد، ایده مطلوبی نیست و موجب تضعیف جریان اصلی تربیت معلم ۴ ساله و هویت سازی یک پارچه اشش اش می شود.

هدف کلان شماره ۴: تأمین منابع مالی کافی و پایدار، تخصیص هدفمند و عادلانه و مصرف بهینه و بهره ورانه

۱۸	راهکار ۲-۱۴ طراحی سازوکار های تنوع بخشی به منابع مالی دولتی و غیردولتی	عبارت تنوع بخشی و غیردولتی آورده شده در این راهکار این قسمت را دچار ابهام گسترده در عرصه اجرا (قید و بند و حد و مرز باید تعیین گردد) خواهد کرد. ضمناً عرصه تفسیر پیرامون مردمی سازی آموزش را گسترش خواهد داد.
----	--	---



هدف کلان شماره ۵: به سازی و به روزآوری فضاهای کالبدی، تجهیزاتی و فناوری های نوین مدارس و سایر فضاهای یادگیری

-عدم سازگاری	هر دو راهکار به بازطراحی و متناسب سازی فضاهای تربیتی-آموزشی با مجموعه از ویژگی ها ضرورتی دارد؟ تاکید پایانی راهکار ۲-۱۶ ذیل نظام معیار اسلامی جا نمی گیرد؟ عبارت زیر تحت عنوان یک راهکار می تواند جایگزین مناسبی باشد: «طراحی، ساخت و بازسازی فضاهای تربیتی-آموزشی متناسب با اقتضائات برنامه درسی، استانداردهای تربیتی، تحولات جمعیتی، ویژگی های جغرافیایی، اصول شهرسازی، الگوهای معماری اسلامی-ایرانی، نیازهای ویژه و تفاوت های جنسیتی دانش آموزان، با تاکید بر نهادینه سازی فرهنگ ایمانی متناسب با نظام معیار اسلامی	راهکار ۱-۱۶ طراحی، ساخت و بازسازی فضاهای تربیتی متناسب با اقتضائات برنامه درسی، استانداردهای تربیتی، تحولات جمعیتی، ویژگی های جغرافیایی، اصول شهرسازی و الگوی معماری ایرانی-اسلامی با استفاده از انرژی های تجدیدپذیر، فناوری های نوین و توجه ویژه به نقش محوری نمازخانه در طراحی و معماری اسلامی راهکار ۲-۱۶ متناسب سازی فضاهای فیزیکی، آموزشی و تربیتی مدارس با تفاوت های جنسیتی و نیازهای ویژه دانش آموزان و تأکید بر فراهم آوردن الزامات نهادینه سازی فرهنگ ایمانی، عفاف و پوشش و رعایت احکام محرمیت در محیط	۱۹
---------------------	---	--	-----------





هدف کلان شماره ۷: کسب مؤقعیّت نخست و ممتاز نظام تربیت رسمی

-مغایرت با اصول ارزشی و انتظارات جبهه انقلاب	طرح چنین هدفی به عنوان یکی از اهداف کلان، حاکی از آن است که برای ایجاد تحول در نظام آموزشی، باید در تراز مؤلفه‌های ارزیابی و سنجش منطقه و جهان فکر، طرح‌ریزی و عمل کنیم. درحالی‌که اساساً ملاک کسب امتیاز و رتبه در منطق اسلام و اندیشه انقلاب اسلامی، با اکثر مترها و معیارها متفاوت است و طرح این هدف، بی‌توجهی به افق تمدنی جمهوری اسلامی و نظام تربیتی آن و هم‌ترازی نظام‌های دیگر را به ذهن متبادر می‌سازد.	هدف کلان ۷ ارتقای جایگاه ملی و بین‌المللی نظام تربیت رسمی و عمومی	۲۰
-مغایرت با اصول ارزشی و انتظارات جبهه انقلاب	ارتقای جایگاه نظام تربیت رسمی و عمومی در ارزیابی‌های منطقه‌ای، بین‌المللی و جهان اسلام، مستلزم آن است که سنجه‌های ارزیابی در این ارزیابی‌های منطقه‌ای، بین‌المللی و جهانی مطابق با ارزش‌های ما باشد و در این صورت باید پرسید آیا ملاک ارزیابی آزمون‌ها و ارزیابی‌های جهانی، لزوماً با ملاک‌ها و ارزش‌های نظام تربیت رسمی و عمومی هم‌خوانی دارد؟	هدف عملیاتی ۲۰ ارتقا جایگاه نظام تربیت رسمی و عمومی در ارزیابی‌های کیفیت جهانی، در سطح منطقه‌ای، بین المللی و جهان اسلام و معرفی الگوی مطلوب	۲۱



هدف کلان شماره ۸: نقش آفرینی و ارتقا کیفیت همه جانبه مدارس به عنوان یکی از کانون های پیشرفت محلی و جلوه های از حیات طيبة

۲۲	راهکار ۱-۲۲ استانداردسازی مؤلفه های مدرسه مبتنی بر زیرنظام های سند تحول بنیادین	این راهکار باید ذیل هدف کلان و تحت عنوان هدف عملیاتی جای بگیرد، در راستای نقش آفرینی و ارتقای کیفیت همه جانبه مدرسه، به عنوان یکی از کانون های پیشرفت محلی و جلوه های از حیات طيبة، باید مؤلفه های مدرسه را مطابق سند تحول بنیادین آموزش و پرورش استانداردسازی و متناسب سازی کنیم و این هدف خود نیازمند تعریف راهکار است.	-عدم سازواری و عدم رعایت ارتباط عمودی میان راهکارها و هدف عملیاتی
۲۳	راهکار ۳-۲۲ افزایش استقلال و اختیارات مدرسه با تفویض اختیار و مسئولیت به آن و تعیین دامنه آن ها براساس نتایج ارزیابی مستمر کیفیت عملکرد مدرسه	ارزیابی مستمر کیفیت مدارس بر چه اساس و با چه شیوه ای صورت می پذیرد؟	-ابهام
۲۴	راهکار ۴-۲۲ تعیین تدریجی و مرحله ای سطوح آزادسازی برنامه درسی متناسب با مقتضیات و اختیارات قانونی مدرسه	آزادسازی برنامه درسی مفهومی گنگ، افراط گرایانه نسبت به تمرکززدایی از آموزش و پرورش و دارای اشکالاتی است که برداشت های ممکن از آن دامنه گسترده ای خواهد داشت؛ طراحی ساز و کار مشخص و دقیق برای کاهش تمرکز برنامه درسی و تفویض اختیاراتی به مدارس، طراحی سازوکار نظارت بر برنامه های درسی از جمله مواردی است که در سیر حرکت از برنامه درسی متمرکز، به نیمه متمرکز و غیر متمرکز باید مورد اشاره قرار گیرد.	-تفسیرپذیری



-مغایرت با اصول ارزشی و انتظارات جبهه انقلاب	اگر سیاست نظام تربیت رسمی و عمومی این باشد که مدارس دارای بهره وری بیشتر، وارد نظام دریافت تشویق و پاداش شوند، به قطع مدرسه را شبیه بنگاه اقتصادی دیده ایم. بکارگیری واژه بهره وری، ادبیات بازارگونه و نگاه ابزاری و کالایی به مدرسه را تقویت می کند. با چنین نظام تشویقی چطور می توان انتظار داشت مدرسه به عنوان جلوه ای از حیات طیبه ظهور و بروز یابد؟ لازم به ذکر است این نوع پرداخت نه تنها باعث بهبود عملکرد مدارس نمی شود بلکه منجر به افزایش شکاف طبقاتی و تشدید رویکرد خصوصی سازی خواهد شد.	راهکار ۶-۲۲ طراحی و اجرای نظام تشویق و پاداش مالی بر اساس میزان بهره وری منابع در عملکرد مدرسه	۲۵
-عدم سازگاری	تفاوت محتوایی در این دو راهکار وجود ندارد و هر دو به بهینه سازی و نهادینه سازی ارتباط مدرسه با سایر نهادها و مراکز جهت تحقق هدف عملیاتی اشاره دارد و قابل اذعام هستند.	راهکار ۱-۲۳ بهینه سازی ارتباط تربیتی مدرسه با مراکز علمی- پژوهشی، حوزه های علمیه، و مراکز آموزش فنی و حرفه ای، مراکز ورزشی، تربیت بدنی و خدمات بهداشتی، مؤسسات آموزش عالی، دانشکده های علوم قرآنی، علوم تربیتی و روانشناسی و بهره مندی از پشتیبانی علمی و تخصصی آنان راهکار ۲-۲۳ نهادینه سازی همکاری مدرسه با مراکز فناوری، فرهنگی، هنری، علمی، تربیت بدنی، بهداشتی، کتابخانه ها، فرهنگسراهای محله به ویژه مسجد و کانون های مذهبی و حوزه های علمیه و حضور نظام مند و اثربخش روحانیون توانمند و مبلغان مذهبی باتجربه در مدرسه	۲۶



هدف عملیاتی شماره ۹: تأمین، بسط عدالت و نصیب برابر آموزشی

۲۷	راهکار ۲-۲۴ پوشش کامل دوره آموزش عمومی با کیفیت و مناسب در تمام مناطق کشور با تأکید بر ریشه کن کردن بی سوادی	پوشش کامل دوره آموزشی عمومی با کیفیت و متناسب در تمام مناطق کشور به عنوان هدفی عملیاتی برای تأمین و بسط عدالت و نصیب برابر تربیتی می باشد که خود نیازمند تعریف راهکار است.	-عدم سازگاری
----	---	--	--------------

هدف کلان شماره ۱۰: نقش آفرینی فزون تر، همسو و همه جانبه با ارکان و عوامل سهیم و مؤثر در پیشبرد اهداف نظام

۲۸	راهبرد ۲۸	عدم تدقیق تعریف شرکای راهبردی، لفظ راهبرد به جهت جلوگیری از تفسیرهای جناحی نیازمند تعریف مشخص می باشد.	-ابهام
۲۹	راهکار ۲-۲۶ طراحی سازوکارهای لازم در ارتقای حق خانواده در انتخاب آگاهانه مدرسه، نظارت بر کارکرد آن	سند تحول، در این راهکار لبه های تیزی با برون سپاری و پته ای سازی امر آموزش دارد که خلاف سیاست ها و اصول ۳۰، ۳ و ۴۳ قانون اساسی است. ارتقای حق خانواده تا حد و اندازه ای مطرح می گردد؟ تفویض اختیار نظارت به خانواده دقیقاً در چه اقدامی ترسیم شده است؟ انتخاب آگاهانه به چه معناست؟ این راهکار تا حد حذف سهمیه بندی مدارس هم پیش خواهد رفت؟	-تفسیرپذیری -مغایرت با اصول ارزشی و انتظارات جبهه انقلاب



-ابهام	جلب مشارکت خانواده در توانمندسازی مربیان چطور موثر است؟ خانواده چطور می‌تواند از ظرفیت سایر نهادها برای تحقق این اهداف استفاده کند؟ ابهام در بخش‌های مختلف، باعث می‌شود جنس راهکاری از این گزاره دریافت نشود و نیازمند تدقیق است.	راهکار ۳-۲۶ مشارکت خانواده در تربیت تمام ساحتی، «تقویت ایمان، بصیرت دینی و باور به ارزش‌های انقلاب اسلامی»، «توانمندسازی مربیان و دانش‌آموزان در وفاداری و حمایت آگاهانه از ارزش‌ها و مواجهه هوشمندانه با توطئه‌های دشمنان و تهاجم فرهنگی» با استفاده از ظرفیت برنامه‌های تربیتی نظام تربیت رسمی و عمومی و سایر نهادها و دستگاه‌ها به‌ویژه حوزه‌های علمیه	۳۰
-عدم سازگاری -عدم وجود استراتژی معین در پرداخت به موضوعات	ارتباط با هدف عملیاتی‌های مطرح‌شده می‌شود؟	راهکار ۱-۲۷ ایجاد تسهیلات قانونی و سازوکارهای تشویقی و انگیزشی لازم، اعم از مادی و معنوی در افزایش مشارکت‌جویی و مشارکت‌پذیری جامعه با الهام از آموزه‌های دینی و بسط فرهنگ نیکوکاری و تعاون	۳۱
-عدول از چارچوبه‌های نظری انقلاب اسلامی و قانون اساسی در توزیع و گسترش آموزش همگانی، عمومی و رایگان	کیفیت بخشی به مدارس غیردولتی امری ضروری و شایسته است؛ اما تسهیل‌گری در تأسیس و حمایت از فعالیت تربیتی آن، منجر به گسترش این مدارس و افزایش شکاف طبقاتی آموزش خواهد شد؛ درحالی‌که سیاست نظام تربیت رسمی و عمومی باید کیفیت بخشی به مدارس دولتی باشد.	راهکار ۶-۲۷ تقویت و گسترش مدارس غیردولتی با اصلاح و بازنگری قوانین و مقررات موجود، تسهیل در تأسیس و حمایت از فعالیت‌های تربیتی آنان، با حفظ کارکردهای سیاست‌گذاری و نظارتی نظام تربیت رسمی و عمومی	۳۲